

وحدت یا تقابل: گفتمانی پیچیده میان حقوق دریاها و حقوق بین الملل محیط زیست در مقابله با آلودگی نفتی دریاها

امیر حاجی پورشوشتری

دانشجوی دکترای حقوق بین الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

amirhajipour6@gmail.com

مصطفی تقی زاده انصاری (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

tansariir@yahoo.com

امیرساعتد وکیل

استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

vakil.a@ut.ac.ir

اسماعیل شاهسوندی

استادیار، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

es.shahsavandi@ymail.com

قابل انتشار در دوره ۲۵، شماره ۶۷ (پاییز ۱۴۰۵) نشریه پژوهشهای حقوقی

چکیده:

حقوق دریاها و حقوق بین الملل محیط زیست دو حوزه بسیار مهم حقوق بین الملل با هدفی مشترک در تلاش برای رسیدگی به حل معضلات آلودگی های نفتی در دریاها هستند که رابطه ذاتا پیچیده دارند. این دوحوزه به صورتی مجزا عمل نکرده و تکمیل کننده یکدیگر هستند اما در عمل شاهد آن هستیم در تقنین بین المللی و مقررات مندرج در کنوانسیون های بین المللی و منطقه ای با یکدیگر تعارض دارند که منجر به یک چارچوب چندوجهی می شود که پیروی از آن بسیار دشوار است چراکه عمل نمودن به قواعد یک حوزه می تواند منجر به نقض قواعد دیگر حوزه شود. و آنچه که در پژوهش واضح است این دو حوزه حقوق دریاها و حقوق بین الملل با محیط زیست مطالعه موردی آلودگی نفتی در دریاها عملاً می توانند همزمان تکمیل کننده و در تضاد یکدیگر باشند اما آنچه اهمیت دارد بحث وحدت میان این دوحوزه و حفاظت از مشترکات جهانی است.

واژگان کلیدی:

آلودگی نفتی دریاها، حقوق دریاها، حقوق بین الملل محیط زیست، وحدت، تقابل

مقدمه:

پس از جنگ جهانی دوم توجه جامعه جهانی به محیط زیست و همچنین نگرانی کشورهای ساحلی در مورد افزایش آلودگی دریاها از طریق نشت نفت از صنعت کشتیرانی افزایش یافت و برخی حوادث رخ داده نشان گر آن بود که آلودگی نفتی در برخی نقاط حساس از منظر زیست محیطی می تواند خسارات جبران ناپذیری را به بار آورد.^۱ به نظر ویلیام وردورث^۲ «دریاها یک هارمونی قدرتمند است»^۳. حال اگر چنین است، این پرسش مطرح است که چرا نظام حقوقی دریاها که مباحث مربوط به آلودگی های نفتی را تنظیم می کند این چنین آشفته به نظر می رسد. در این پژوهش نگارنده بر آن است تا رابطه ی حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق دریاها در رابطه با چالش های مربوط به آلودگی های نفتی را مورد مذاقه قرار دهد.

امروزه تضمین حفاظت از آلودگی محیط زیست دریایی در برابر پیامدهای صنایع نفتی اعم از اکتشاف، حفاری و استخراج و کشتیرانی یکی از جدیترین موضوعات در نظام های حقوقی داخلی و بین المللی است. از یک سو باید به این نکته اشاره کرد که در دهه های اخیر، بسیاری از کنوانسیون های بین المللی، لزوم ارتقای سطح ایمنی در حوزه های عملیاتی صنایع انرژی را مدنظر قرار داده و در این زمینه تا حدودی تأثیرگذار بوده اند.^۴ از سوی دیگر، وقوع حوادث نفتی بزرگ که در نوع خود، فاجعه زیست محیطی به حساب می آید، زنگ خطر را برای تمامی ذینفعان این حوزه (اعم از حکومت ها و قانون گذاران، صنایع ذیربط، سهام داران، کارگزاران و مردم) به صدا درآورده است^۵ روزانه بیش از سه هزار تانکر نفتکش در آب های جهان در حال تردد است که هریک از آنها سالانه بخشی از ۱/۷ میلیارد گالن نفت خام و محصولات نفتی را از طریق دریا حمل می کند.^۶

آلودگی نفتی دریاها از فعالیت های کشتیرانی و استخراج نفت ناشی می شود. فعالیت های بستر دریا در استخراج و تولید نفت تاثیر نسبتاً کمی در میزان کلی آلودگی محیط زیست دریایی دارد و عامل اصلی آلودگی نفتی دریاها از طریق کشتیرانی است، چرا که به طور سنتی، کشتیرانی به عنوان یک صنعت آلاینده در نظر گرفته می شود.^۷ دلیل دیگر را می توان آلودگی دریاها ناشی از فعالیت در بستر دریا دانست، تاسیساتی که در بستر دریاها به منظور اکتشاف و بهره برداری

¹ Anyanova, Ekaterina (2012), Oil Pollution and International Marine Environmental Law, FROM THE EDITED VOLUME Sustainable Development - Authoritative and Leading Edge Content for Environmental Management.p.10

² WILLIAM WORDSWORTH

^۳- برای مطالعه بیشتر: ر.ک. WILLIAM WORDSWORTH, ON THE POWER OF SOUND pt. XII (1888).

^۴ در این زمینه می توان به کنوانسیون بین لملی مسئولیت مدنی برای آلودگی نفتی ۱۹۶۹، کنوانسیون بین المللی صندوق جبران خسارات ناشی از آلودگی نفتی ۱۹۹۲، کنوانسیون مارپل ۱۹۷۳/۱۹۷۸ و نیز کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ اشاره کرد.

^۵- قنبری چهارمی، محمد جعفر، شفیع بافتی، نگین (۱۳۹۴)، ابعاد حقوقی بین المللی مقابله با آلودگی نفتی دریایی و نظام مسئولیت کیفری، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۵، صص ۸۰-۵۵

⁶ - Darmody, Stephen J(1994)., "The Oil Pollution Act's Criminal Penalties: On a Collision Course with the Law of the Sea", Environmental Affairs Law Reviews, vol. 21, No. 89.p.94

⁷ Anyanova, Ekaterina (2012), Oil Pollution and International Marine Environmental Law, FROM THE EDITED VOLUME Sustainable Development - Authoritative and Leading Edge Content for Environmental Management.p.14

ایجاد می شود.^۸ این دو حوزه در این بررسی این چالش به صورت مستقل و پویا امکان عمل ندارند به شکل دهی یکدیگر کمک می کنند. این مقاله به تعارضات مندرج در کنوانسیون های بین المللی و منطقه ای می پردازد و نمایان گر یک چارچوب حقوقی چند وجهی است که رعایت قواعد یک نظام حقوقی منتج به نقض مقررات و اهداف نظام دیگر است^۹ و در پی یافتن راه حلی حقوقی در این باب که چگونه همزمان دو حوزه حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق دریاها در تضاد و تکمیل یکدیگر هستند.

۱. مقایسه حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق دریاها

این بخش به طور مختصر به معرفی حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق دریا می پردازد. هدف از این کار این است که پیش زمینه اساسی را برای خواننده فراهم کند که بحث در مورد تعارض و مکمل بودن بین این دو نظام حقوقی را در چارچوب حقوق بین الملل عمومی قرار دهد.

۱.۱ حقوق بین الملل محیط زیست

حقوق بین الملل محیط زیست توسط نهادهای مختلف جهانی و منطقه ای، سازمان های بین المللی دولتی و غیر دولتی شکل گرفته است.^{۱۰} و از ویژگی های متمایز کننده چارچوب حقوق بین الملل محیط زیست آن است که عمدتاً نتیجه یک رویکرد واکنشی برای مقابله با نگرانی های خاص زیست محیطی است.^{۱۱} مانند اصل احتیاط که تلاشی در جهت ارائه راه حلی برای جلوگیری از جدی شدن نگرانی ها می باشد.^{۱۲} بنابراین، چالش های زیست محیطی از نظر تاریخی نقش ثانویه ای را در گفتمان حقوقی بین المللی به عهده گرفته اند. مسئولیت دولت ها و اجرای وظایفی که جامعه جهانی در قبال محیط زیست بر عهده دارد، یکی از چالش های اصلی پیش از آنکه نظام حقوق بین الملل محیط زیست بتواند کشش واقعی پیدا کند و شروع به دستیابی مؤثر به اهداف خود کند، می باشد. علاوه بر مسئولیت دولت ها، مسئولیت بازیگران غیردولتی نیز باید به کار گرفته شود و به صورت فعال به موقع اجرا گذاشته شود.^{۱۳} حقوق بین الملل محیط زیست با

^۸ - کلارک، آر بی (۱۳۷۹). آلودگی دریا. ترجمه محمدعلی زاهد و زینب محمدی دشتکی، چاپ اول، تهران: نشر نسق.ص ۷۳

^۹ - بنگرید به:

D. Fry, James, Amesheva, Inna (2016), Cleaved International Law: Exploring the Dynamic Relationship between International Climate Change Law and International Health Law, University of Hong Kong Faculty of Law Research Paper No. 2017/018

^{۱۰} نمونه ای از یک سازمان منطقه ای می تواند آژانس محیط زیست اروپا (EEA) باشد. نمونه هایی از سازمان های بین المللی عبارتند از: برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، هیئت بین دولتی تغییرات آب و هوا، سازمان جهانی هواشناسی، تأسیسات جهانی محیط زیست (GEF) و کنفرانس های طرف های تعدادی از معاهدات بین المللی زیست محیطی. از جمله سازمان های غیردولتی می توان به صلح سبز، دوستان زمین و صندوق جهانی طبیعت اشاره کرد. این لیست از نمونه ها به هیچ وجه کامل نیست، زیرا صدها سازمان وجود دارند که دارای وظایف زیست محیطی هستند.

^{۱۱} McConnell, Moira L., Gold, Edgar (1991), the Modern Law of the Sea: Framework for the Protection and Preservation of the Marine Environment, p.99

^{۱۲} - بنگرید به:

United Nations Conference on Environment and Development, *Rio Declaration on Environment and Development*, Princ. 15, U.N. Doc. A/CONF.151/26/Rev.1 (Vol.I), Annex I (Aug. 12, 1992)

^{۱۳} Fry, James D. and Amesheva, Inna, Cleaved International Law: Exploring the Dynamic Relationship between International Climate Change Law and International Health Law, p.84

حوزه‌های متعددی مشخص می‌شود که در محدوده آن قرار می‌گیرد، که ناشی از تطبیق‌پذیری اکوسیستم‌های جهانی و نیاز به حفاظت از آنها است. از جمله شاخه‌های زیر مجموعه حقوق بین الملل محیط زیست که می‌توان نام برد:

الف) تغییرات اقلیمی و آلودگی‌های جوی^{۱۴} (ب) حقوق دریاها و حفاظت از محیط زیست دریایی^{۱۵} (پ) تنظیم مواد سمی (ت) انرژی هسته‌ای و محیط زیست^{۱۶}. (ث) حفاظت و استفاده پایدار از آبراه‌های بین‌المللی^{۱۷} (ج) تنوع زیستی و حفاظت از اکوسیستم^{۱۸}. (چ) حفاظت از گونه‌ها و منابع زنده دریایی^{۱۹} و تجارت بین‌المللی و حفاظت از محیط زیست^{۲۰}. وجود حوزه‌های بسیار زیاد حقوقی، دستیابی به انسجام و وحدت حقوقی را عملاً غیر ممکن می‌کند و با وجود چنین پیچیدگی، تعجب آور نیست که تعداد کمی از سازمان‌های بین‌المللی تلاش و اولویت‌های خود را در این زمینه هماهنگ کنند و امروزه مجموعه‌ای از نظام‌های زیست‌محیطی وجود دارد اما هماهنگی بین آن‌ها وجود ندارد و به صورت متناقض و گاهی به صورت مستقل عمل می‌کنند.^{۲۱} این ناهماهنگی موجب گردیده تا حقوق بین‌الملل محیط زیست پیچیده‌ترین حوزه حقوق بین‌الملل باشد چرا که حقوق بین‌الملل محیط زیست با موضوعات چند بعدی «سیاسی، حقوقی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سازمانی» تنظیم می‌گردد^{۲۲} و تنش بین الزامات زیست‌محیطی و عملکرد دولت‌ها مشهود است^{۲۳} و معضلات این حوزه به عملکرد دولت و عدم چشم‌پوشی آنان از منافع اقتصادی کوتاه مدت به نفع اهداف پایدار زیست‌محیطی بر می‌گردد.^{۲۴} و حتی پس از ارائه شواهد قانع‌کننده مبنی بر اینکه نادیده گرفتن آنها می‌تواند عواقب فاجعه‌باری برای محیط زیست، معیشت و اقتصاد بسیاری از کشورها داشته باشد مشکلات اعمال صلاحیت قضایی جهانی به طرز قابل توجهی مغفول باقی می‌ماند.^{۲۵}

۱,۲ حقوق دریاها

¹⁴ U.N. Framework Convention on Climate Change, opened for signature June 4, 1992, 1771 U.N.T.S. 107 (entered into force Mar. 21, 1994); And Kyoto Protocol to the United Nations Framework Convention on Climate Change, opened for signature Mar. 16, 1998, 2303 U.N.T.S. 148

¹⁵ U.N. Convention on the Law of the Sea, Dec. 10, 1982

¹⁶ INT'L ENERGY AGENCY, WORLD ENERGY OUTLOOK 2013: EXECUTIVE SUMMARY (2013), <http://www.iea.org/Textbase/npsum/WEO2013SUM.pdf>.

¹⁷ U.N. Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, opened for signature May 21, 1997, 36 I.L.M. 715.

¹⁸ Convention on Biological Diversity, June 5, 1992, 1760 U.N.T.S. 79 (entered into force Dec. 29, 1993).

¹⁹ Convention on the Conservation of Antarctic Marine Living Resources, opened for signature Aug. 1, 1980, 1329 U.N.T.S. 48 (entered into force Apr. 7, 1982).

²⁰ Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora, Mar. 3, 1973, 27 U.S.T. 1087; General Agreement on Tariffs and Trade, Oct. 30, 1947, 61 Stat. A-11, 55 U.N.T.S. 194

²¹ Rachel Baird et al(2009)., Ocean Acidification: A Litmus Test for International Law, 3 CARBON & CLIMATE L. REV. 459, 459

²² Craig H. Allen, (2009). *Revisiting the Thames Formula: The Evolving Role of the International Maritime Organization and Its Member States in Implementing the 1982 Law of the Sea Convention*, 10 SAN DIEGO INT'L L.J. 265, 267.

²³ KLABBERS, JAN, (2013), INTERNATIONAL Law, Cambridge University press.p.236

²⁴ Bruce A. Ackerman & Richard B. Stewart, (1985), *Reforming Environmental Law*, 37 STAN. L. REV. 1333

²⁵ -بناگرید به: U.N. DEPT FOR ECON. & SOC. INFO. & POLICY ANALYSIS, GLOSSARY OF ENVIRONMENT STATISTICS, at 37, U.N. Doc. ST/ESA/STAT/SER.F/67, U.N. Sales No. 96.XVII.12) 1996

با توجه به اینکه دریا ها محل زندگی بیش از هشتاد درصد از همه گونه های روی کره زمین هستند و هفتاد و یک درصد از سطح زمین را می پوشانند، ظهور حقوق دریا به عنوان یک رشته متمایز تعجب آور نیست. اهمیت دریاها به عنوان یک منبع گسترده از معاش، حمل و نقل، و تنوع اکوسیستم توسط مجموعه ای از قواعد حقوق که تحت دامنه گسترده حقوق دریا قرار دارند منعکس شده است. حقوق دریاها، مشابه حقوق بین الملل محیط زیست، حوزه بسیار وسیعی است که "همه جنبه های استفاده و منابع دریاها را در بر می گیرد، بنابراین بسیاری از شاخه های مختلف در ذیل آن قرار می گیرند، مانند: الف) حفاظت دریایی منطقه ای^{۲۶} ب) آلودگی کشتیرانی و یا آلودگی منابع کشتیرانی^{۲۷} پ) تصادفات و وضعیت های اضطراری در دریا^{۲۸} ت) مسئولیت آلودگی دریا و آسیب های ناشی از این آلودگی^{۲۹}.

گسترش حقوق دریاها در دهه ۱۹۷۰ با انبوهی از کنوانسیون های منطقه ای^{۳۰} و بین المللی که به منابع مختلف آلودگی دریایی، مانند مواد هسته ای^{۳۱}، تخلیه مواد زائد پرداخته بودند، آشکارتر شد.^{۳۲} و آلودگی منابع زمینی^{۳۳} جنبه های مهم حقوق دریاها نیز از طریق حوزه هایی مانند مناطق دریایی، تحدید حدود مرزهای دریایی، حقوق و آزادی های دریانوردی، عملیات نظامی در دریا، و مسائل حفاظتی مورد توجه قرار می گیرد^{۳۴}.

این پژوهش اساساً بر تأثیر تداخل انسانی با اکوسیستم های دریاها تمرکز دارد، زیرا این منطقه نزدیک ترین ارتباط را با قوانین بین المللی محیط زیست دارد. در این رابطه، قابل توجه است که پیش بینی می شود سقوط تجارت جهانی شیلات تا سال ۲۰۴۸ رخ دهد.^{۳۵} این امر چالش های پیش رو برای تامین تغذیه کافی و آب سالم برای جمعیت در حال افزایش جهان را تشدید می کند. به نوبه خود، آسیب پذیری جمعیت رو به رشد ساحلی خطر ناشی از حوادث مرتبط با کشتی را که در آب های مجاور رخ می دهد افزایش می دهد. تعداد بیشتری از مردم احتمالاً تحت تأثیر نشت نفت یا یک فاجعه دریایی دیگر قرار خواهند گرفت^{۳۶}. آمارهای نگران کننده ای از این دست نشان دهنده نیاز به تشویق جامعه بین المللی برای اتخاذ یک برنامه اقدام یکپارچه و موثر برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی است. با این اوصاف، نگرانی های مربوط به حفاظت از دریاها بیش از نیم قرن است که توجه جامعه حقوقی بین المللی را به خود جلب کرده است که در

²⁶ <http://www.unep.org/regionalseas/issues/ecosystems/MPAs/default.asp>

²⁷ Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damage resulting from Exploration for and Exploitation of Seabed Mineral Resources For and Exploitation of Seabed Mineral Resources, *opened for signature* May 1, 1977, 16 I.L.M.

²⁸ بنگرید به:

Alan Boyle & James Harrison, *Environmental Accidents*, in MAX PLANCK ENCYCLOPEDIA OF PUBLIC INTERNATIONAL LAW (Rüdiger Wolfrum ed., 2008), http://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1578?rskey=Ou2nAL&result_1&prd_EPIL (last visited Nov. 7, 2015).

²⁹ Michael Mason (2002). Transnational Compensation for Oil Pollution Damage: Examining Changing Spatialities of Environmental Liability I (London Sch. of Econ., Working Paper No. 69.P.6

³⁰ Convention on the Protection of the Environment between Denmark, Finland, Norway and Sweden, Feb. 19, 1974, 1092 U.N.T.S. 279

³¹ Convention Relating to Civil Liability in the Field of Maritime Carriage of Nuclear Material, Dec. 17, 1971, 974 U.N.T.S. 177 (entered into force July 15, 1975).

³² Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter, Nov. 13, 1972, 11 I.L.M. 1294.

³³ Convention for the Prevention of Marine Pollution from Land-based Sources, *opened for signature* June 4, 1974, 1546 U.N.T.S. 120 (entered into force May 6, 1978).

³⁴ DONALD R. L & TIM STEPHENS (2010), THE INTERNATIONAL LAW OF THE SEA. Bloomsbury Academic, p.140

³⁵ Boris Worm et al (2006), Impacts of Biodiversity Loss on Ocean Ecosystem Services, 314 SCI. p.788

³⁶ Craig H. Allen, (2009). *Revisiting the Thames Formula: The Evolving Role of the International Maritime Organization and Its Member States in Implementing the 1982 Law of the Sea Convention*, 10 SAN DIEGO INT'L L.J. p.269

نهایت با تصویب کنوانسیون حقوق دریاها (UNCLOS) در سال ۱۹۸۲ به اوج خود رسید. علاوه بر این، حوادث آلودگی مانند غرق شدن تانکر نفت توری کانیون^{۳۷} در سواحل جنوب غربی بریتانیا در سال ۱۹۶۷ و همچنین نیاز روزافزون به حمل و نقل مواد آلاینده، درک عمومی را از این خطرات مرتبط با حوادث موضوع افزایش داده است.^{۳۸} با این وجود، لازم به ذکر است که علت اصلی آلودگی دریا نه از کشتی ها و یا تخلیه زباله، بلکه از منابع زمینی و جوی ناشی می شود. به طور دقیق، آلودگی زمینی و هوای تقریباً هشتاد درصد از زباله های سمی که سالانه وارد اقیانوس ها می شود را تشکیل می دهد.^{۳۹} دلیل مشکلات در تنظیم منابع آلودگی زمینی به ویژه از این واقعیت ناشی می شود که این نوع آلودگی همواره در حوزه قضایی یک دولت مستقل رخ می دهد و از فعالیت هایی ناشی می شود که ارتباط مستقیمی با توسعه اجتماعی-اقتصادی و استقلال سیاسی دولت ها دارد. این امر همچنین نشان دهنده ارتباط متقابل بین حقوق دریاها و سایر جنبه های حقوق بین الملل زیست محیطی است. (ROTHWELL & STEPHENS, Ibid: 378.) در نتیجه این مقاله به بررسی مکمل بودن و تعارض دو شاخه حقوق بین الملل با استناد به موارد و مقررات حقوقی مبین رابطه پویای آنها می پردازد.

۲. ارزیابی رابطه بین حقوق دریا و حقوق بین الملل محیط زیست

این بخش به بررسی رابطه بین حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق دریاها پرداخته می شود. ابتدا تحلیلی از تکمیلی بودن بین دو نظام ارائه می گردد و سپس به بررسی موارد تضاد بین حقوق دریا و حقوق بین الملل محیط زیست پرداخته می شود.

۲.۱ تجزیه و تحلیل تکمیلی بودن بین دو نظام حقوقی

این یک واقعیت غیر قابل انکار است که حقوق دریاها جزئی از یک اکوسیستم بزرگتر از موضوعاتی است که تحت شمول حقوق بین الملل محیط زیست قرار می گیرد. چراکه کنترل موثر آلودگی نه تنها برای سلامت عمومی محیط زیست دریایی بلکه برای حفظ ذخایر منابع آبی دریایی هم مهم است.

همچنین تغییرات اقلیمی شروع به تاثیرگذاری بر اکوسیستم دریایی کرده است که منجر به از بین رفتن صخره های مرجانی، تغییر در توزیع گونه های دریایی، ذوب شدن یخچال های قطبی دریایی که در نهایت منجر به افزایش سطح می گردد.^{۴۰} در واقع بدیهی است که آلودگی ناشی از منابع مختلف، نگرانی های مربوط به حفاظت از اکوسیستم، تغییرات اقلیمی بر دریاها و منابع گیاهی و ذخایر آبی آن به هم مرتبط باشند که ریشه ی آن به کنفرانس توسعه و محیط زیست سازمان ملل متحد و ماده ۷ آن که مقرر می دارد «دولت ها باید تمام تلاش خود را برای جلوگیری از اقداماتی که موجب آلودگی دریاها توسط موادی که برای سلامتی انسان و منابع جاندار دریایی و سایر استفاده های مشروع از دریا تداخل

³⁷ Torrey Canyon

³⁸ DONALD R. L & TIM STEPHENS (2010), THE INTERNATIONAL LAW OF THE SEA. Bloomsbury Academic, p.338

³⁹ Ibid: 339

⁴⁰ PATRICIA W. BIRNIE ET AL. (2009), INTERNATIONAL LAW AND THE ENVIRONMENT 380, Oxford University Press (3d.ed.).p380

ایجاد می کند به کار گیرند.^{۴۱} اصل ۲۲ اعلامیه استکهلم با تجویز همکاری در زمینه های مسئولیت و غرامت برای قربانیان آلودگی محیط زیست، نه تنها به حوزه های قضایی دولت ها، بلکه در خارج از حوزه قضایی آن نیز فراتر می رود. علاوه بر این، مقدمه کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها به ماهیت به هم پیوسته حقوق دریاها و پدیده هایی که بر آن حاکم است اشاره می کند: «مشکلات فضای دریاها ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و باید به عنوان یک کل در نظر گرفته شوند و آنچه که واضح است رویکرد یکپارچه این کنوانسیون در برخورد با مفاهیمی چون حفاظت از تنوع زیستی دریایی و آلودگی ناشی از منابع زمینی راه را برای همکاری بیشتر بین حقوق دریاها و سایر معاهدات زیست محیطی هموار می کند.^{۴۲} همچنین رویکردی جامع برای انعقاد معاهدات زیست محیطی را ارائه می کند و این امر نمایانگر آن است که کنوانسیون شامل موضوعاتی چون حقوق کشتیرانی، تحدید حدود دریایی، صلاحیت منطقه انحصاری اقتصادی، عبور از تنگه ها، حفاظت و مدیریت محیط زیست دریایی و رژیم تحقیقات دریایی و یک رویه الزام آور برای حل و فصل اختلافات بین دولت دولت هاست و می توان چنین نتیجه گرفت که این کنوانسیون به عنوان الگویی برای تکامل اصول حقوق محیط زیست عمل کند زیرا ابزاری است که از مشارکت گسترده و وضعیت عرفی برخوردار است.^{۴۳} و این موفقیت را می توان به این واقعیت نسبت داد که دامنه تغییرات قابل توجهی را با توجه به ویژگی ها و اصول منطقه ای فراهم می کند^{۴۴} با در نظر گرفتن تنوع اکوسیستم ها و شیوه های همکاری بین دولت ها. این هنوز یکی از کاستی های معاهدات حقوق محیط زیست بین المللی (مانند کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد پروتکل تغییرات اقلیمی کیوتو) است که در ارائه یک مکانیسم قابل اجرا که به سطوح مختلف توسعه دولت های عضو می پردازد، ناکام مانده است که به این معنی است که کنوانسیون حقوق دریاها سازمان ملل متحد می تواند نقشی مثال زدنی در کمک به ابداع موافقت نامه های بین المللی محیط زیستی ایفا کند که مبتنی بر رویکردی جامع تر برای حفاظت از محیط زیست است.

با توجه به توضیحات کلی در مورد مکمل بودن این دو نظام لازم است تا دقیق تر به این بخش پرداخته شود:

۲،۱،۱ توسعه پایدار

توسعه پایدار مثالی بارز از مکمل بودن حقوق دریاها و حقوق بین الملل محیط زیست می باشد چراکه هر دو نظام تحت اصل کلی توسعه پایدار قرار دارند و این موضوع پس از اعلامیه ۱۹۹۲ ریو در مورد محیط زیست و توسعه^{۴۵} و دستور

⁴¹ U.N. Conference on the Human Environment, Stockholm, Swed., June 5-16, 1972, at 4, U.N. Doc. A/CONF.48/14/Rev.1 (June 16, 1972).

⁴² LAKSHMAN D. GURUSWAMY (2003), INTERNATIONAL ENVIRONMENTAL LAW: IN A NUTSHELL 391 (2d.ed.)p.391

⁴³ PATRICIA W. BIRNIE ET AL. (2009).p382

⁴⁴-Ibid.p392

⁴⁵ DAVID R. HODAS, (2005) BIODIVERSITY AND CLIMATE CHANGE LAWS: A FAILURE TO COMMUNICATE? P.8

کار ۲۱^{۴۶} که توسعه پایدار را به عنوان یک اصل حاکم بر حقوق بین الملل معرفی کرد مشاهده می شود.^{۴۷} در واقع، کنوانسیون حقوق دریاها سازمان ملل متحد در دستور کار ۲۱ به عنوان ابزاری که پایه بین المللی را برای پیگیری حفاظت و توسعه پایدار از محیط زیست دریایی و ساحلی و منابع آن فراهم می کند، نامیده می شود. کنفرانس ریو همچنین استانداردهایی را برای مدیریت دریایی و ساحلی تجویز می کند و بر اهمیت به کارگیری اصل احتیاط و اصل ارزیابی های زیست محیطی تاکید می کند.^{۴۸} بنابراین، توسعه پایدار ممکن است ابزاری باشد که به حفظ حقوق بین المللی محیط زیست و حقوق دریاها کمک نماید چراکه تصمیم گیرندگان در هر دولتی می توانند به نام توسعه پایدار، نگرانی های دیگری را به طور قانونی در تصمیمات خود لحاظ کنند.^{۴۹} در واقع، برای اینکه موضوعات تحت پوشش حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق دریاها به اندازه کافی مورد توجه قرار گیرند، باید بسیاری از منافع، مانند منافع جامعه بین المللی و نیز منافع دولت ها در بهره برداری از منابع حاکمیتی خود، با یکدیگر تطبیق داده شوند. به همین دلیل، دامنه مشکلات تحت پوشش حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق دریاها باید به اندازه ای گسترده باشد که شامل تداخلات احتمالی زیاد با محیط زیست شود.

۲.۱.۲ مفهوم آلودگی

تعریف گسترده «آلودگی» مطابق ماده ۱(۴) کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد نشان دهنده ارتباط بین حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق دریاها است.^{۵۰} اولاً، شامل تمام منابع آلودگی دریاها، صرف نظر از منشأ آنها می شود، بنابراین نه تنها تهدیدی که به طور سنتی برای محیط زیست دریایی ناشی از کشتی ها است، بلکه فعالیت های زمینی و جوی را نیز پوشش می دهد.^{۵۱} دوماً، کنوانسیون فهرستی غیر جامع از انواع آلودگی هایی را که می تواند منجر به تداخل خطرناک با محیط زیست دریایی شود، به تصویب می رساند، در نتیجه به کنوانسیون اجازه می دهد تا با پیشرفت های علمی و نگرانی های جدید در مورد اکوسیستم دریاها به روز بماند. علاوه بر این، ارتباط بین تخریب محیط زیست دریایی و سایر موضوعاتی که در محدوده وسیع تر حقوق بین الملل محیط زیست قرار می گیرند، ذیل ماده ۱۹۴ نشان داده شده است، که ایجاب می کند: «دولت ها باید به صورت جداگانه یا مشترک، در صورت لزوم، تمام اقدامات خود را با این کنوانسیون که برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریایی از هر منبع ضروری است را اتخاذ

⁴⁶ U.N. Conference on Environment and Development, *Rio Declaration on Environment and Development*, U.N. Doc. A/CONF.151/26 (Aug. 12, 1992) [hereinafter *Agenda 21*].

⁴⁷ *Rio Declaration*, Princ. 1 (“Human beings are at the centre of concerns for sustainable development.”).

⁴⁸ LAKSHMAN D. GURUSWAMY (2003), *INTERNATIONAL ENVIRONMENTAL LAW: IN A NUTSHELL* 391 (2d.ed.).p.396

⁴⁹ DAVID R. HODAS, (2005), *Ibid* P.39

^{۵۰} مطابق ماده ۱(۴) کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ آلودگی محیط زیست دریایی (به معنای وارد کردن مستقیم یا غیرمستقیم مواد یا انرژی توسط انسان به محیط زیست دریایی، از جمله مصب رودخانه است که منجر به اثرات مخربی مانند آسیب به منابع زنده و حیات دریایی، خطرات برای سلامتی انسان، ممانعت از فعالیت های دریایی از جمله ماهیگیری و سایر استفاده های مشروع از دریا، کاهش کیفیت استفاده از آب دریا و کاهش امکانات رفاهی...) (Rothwell & Stephens, *Ibid*:342)

⁵¹ ROTHWELL & STEPHENS, *IBID*:342

کنند.^{۵۲} در حالی که ممکن است همانطور که در پرونده تریل اسملتر^{۵۳} بیان شد استدلال شود که ماده ۱۹۴ صرفاً بیان مجدد اصول حقوق عرفی در مورد مسئولیت دولت در قبال آسیب های زیست محیطی است.

در نتیجه تعدد منابع مختلف آلودگی که می تواند پیامدهای نامطلوبی بر محیط زیست دریایی داشته باشد، نشان دهنده این واقعیت است که مسائل زیست محیطی به ندرت، و یا اصلاً، به صورت مجزا مطرح می شوند. علاوه بر این، «محیط زیست دریایی» در این مفاد محدود به شامل کردن دریاها و سرزمینی دولت ها نیست، بلکه به طور ضمنی کل اکوسیستم گونه های دریایی و منابع را در بر می گیرد.

۳.۱.۲ آزادی دریاها و میراث مشترک بشریت

یکی دیگر از نکاتی که نشان دهنده مکمل بودن حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق دریاها است، مفهوم آزادی دریاها و آزاد است که به نظر می رسد مشابه با حقوق مشترک جهانی است. از این منظر، یک اصل اساسی از بخش هفتم کنوانسیون حقوق دریاها این است که همه دولت ها از حقوق برابر برای اعمال آزادی خود در دریاها و آزاد برخوردار هستند، در حالی که ماده ۸۹ کنوانسیون همچنین بیان می کند که «هیچ دولتی نمی تواند ادعا کند که نسبت به بخشی از دریاها و آزاد حاکمیت دارد».^{۵۴}

با این حال، این مقررات منجر به مشکلات ذاتی در ایجاد و اجرای صلاحیت قضایی در مشترکات جهانی و دریاها و آزاد می شود. دلیل آن است که این مناطق منابع مشترکی را تشکیل می دهند که برای استفاده همه در دسترس است، اما هیچ کشوری حاضر نیست مسئولیت حفظ و امنیت آنها را بر عهده بگیرد. دلیل این عدم تمایل به حفاظت از مشترکات می تواند ناشی از آن باشد که این تنها کل جامعه بین المللی است که می تواند آزادی های دریاها و آزاد را محدود یا تنظیم کند.^{۵۵} اما هیچ دولت یا گروهی از دولت ها حق انجام این کار را در رابطه با هیچ یک از منابع مشترک ندارند. با این وجود، آزادی دریاها و آزاد نیز نامحدود نیست^{۵۶} از آنجا که موافقت نامه های منعقد شده توسط دولت های عضو ذیل کنوانسیون حقوق دریاها بر حقوق و تعهدات سایر کشورها تأثیر نمی گذارد اما باید مطابق با اصول کلی کنوانسیون حقوق دریاها باشد.^{۵۷} علاوه بر این، مقدمه کنوانسیون بیان می کند که «منطقه بستر دریاها، فراتر از محدوده صلاحیت ملی، و همچنین منابع آن است که میراث مشترک بشریت را شکل می دهد که باید از آن به نفع کل جامعه بین المللی صرف نظر از موقعیت جغرافیایی استفاده شود. بنابراین، هیچ کشوری مجاز به ادعای حقوق انحصاری بر حوزه های منابع مشترک نیست. محدودیت های مربوط به حقوق و آزادی های دولت ها با محدود کردن صلاحیت قضایی نه تنها بر عموم دولت ها، بلکه در مورد حقوق دولت ها برای استفاده از منابع طبیعی خود فراتر می رود. به عنوان مثال، ماده ۱۹۳

⁵² UNCLOS, at art. 194

⁵³ Trail Smelter Case (U.S. v. Can.), 3 R.I.A.A. 1905 (1941).

⁵⁴ UNCLOS, at art. 89.

⁵⁵ Erik J. Molenaar & Alex G. Oude Elferink (2009), Marine Protected Areas in Areas beyond National Jurisdiction: The Pioneering Efforts Under the OSPAR Convention, 5 UTRECHT L. Rev. 5.P.5

⁵⁶ BIRNIE ET AL, *IBID*: p.426

⁵⁷ Molenaar & Elferink, *IBID*:p. 18

کنوانسیون به این موضوع می پردازد و اعلام می کند که این امر تنها «طبق سیاست های زیست محیطی دولت ها و بر اساس وظیفه آنها در حفاظت محیط زیست دریایی» قابل انجام است. این ماده تعهد کلی دولت ها را برای «حفاظت محیط زیست دریایی» مندرج در ماده ۱۹۲ افزایش می دهد و آن را به یکی از ارکانی تبدیل می کند که کنوانسیون بر آن استوار است و نمونه مفیدی برای حفاظت از مشترکات جهانی است. با این وجود، دونالد راثول^{۵۸} و تیم استفنز^{۵۹} نسبت به اجرای موثر تعهدات مربوط به مشترکات ابراز تردید کرده اند، زیرا آلودگی دریاهای آزاد باید «مستقیماً با ظرفیت دولت ها برای برخورداری از آزادی های دریای آزاد، مانند ماهیگیری یا دریانوردی تداخل داشته باشد». و خسارت قابل اقدام در نظر گرفته شود.^{۶۰} با این حال، این مانع به خودی خود می تواند از طریق ماده ۴۸ (۱) (ب) کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولت غلبه کند، که مقرر می دارد که کشوری غیر از دولت آسیب دیده حق دارد به مسئولیت کشور متخلف استناد کند.^{۶۱} بنابراین، یک مکانیسم مناسب برای اجرای فعال اقدامات مربوط به مشترکات جهانی را می توان در حوزه مربوط به مسئولیت دولت ها یافت.

۲,۱,۴ عبور بی ضرر و اعمال صلاحیت

مشابه مفهوم آزادی دریاهای آزاد، کشتی ها در دریای سرزمینی نیز از حق عبور بی ضرر برخوردارند.^{۶۲} با این حال، این حق قابل تعلیق است و می تواند در شرایط مختلف محدود شود، از جمله زمانی که «هر گونه اقدام آلوده کننده عمدی و جدی برخلاف کنوانسیون حقوق دریاها» توسط عبور یک کشتی خارجی در آبهای سرزمینی یک دولت "به عنوان مخاطره آمیز برای صلح، نظم و امنیت کشور ساحلی تلقی می شود، رخ دهد.^{۶۳} بنابراین، پیوند رفتار آسیب رسان به محیط زیست با حق عبور بی ضرر از آب های سرزمینی کشورهای ساحلی، نمونه دیگری است که می توان مکمل بودن حقوق دریاها و حقوق بین المللی محیط زیست را شاهد بود. با این حال، در رابطه با صلاحیت اجرایی کشورهای ساحلی، کنوانسیون حقوق دریاها تصریح می کند که قبل از انجام هرگونه اقدام اجرایی، باید «شواهد روشن و عینی» وجود داشته باشد که تخلف رخ داده است.^{۶۴}

۲,۱,۵ مناطق حفاظت شده دریایی و کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریایی اقیانوس اطلس شمال شرقی

⁵⁸ Donald Rothwell

⁵⁹ Tim Stephens

⁶⁰ ROTHWELL & STEPHENS, *IBID*: p.366

⁶¹ ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۵). متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل - مسؤلیت بین المللی دولت، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش ص. ۲۷۸.

⁶² UNCLOS, *supra* note 8, at art. 17.

⁶³ *Id.* at art. 19(2) (h).

⁶⁴ *Id.* at art. 220(6).

ایجاد مناطق حفاظت شده دریایی در خارج از صلاحیت دولت‌ها مثال دیگری است که نشان می‌دهد چگونه جامعه بین‌المللی و به ویژه قوانین بین‌المللی محیط زیست می‌تواند با مشکلات مربوط به محیط زیست دریایی که فراتر از دریاهای سرزمینی کشورهای ساحلی است مقابله کند.

مناطق حفاظت شده دریایی توسط کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریایی اقیانوس اطلس شمال شرقی از این پس: (OSPAR) در سال ۱۹۹۲ تنظیم شده است.^{۶۵}

کنوانسیون OSPAR مکانیزمی است که به موجب آن کشورهای اروپای غربی، همراه با اتحادیه اروپا، انواع تهدیدات محیط زیست دریایی شمال شرقی اقیانوس اطلس، مانند آلودگی ناشی از فعالیت‌های زمینی و همچنین تهدیدات ناشی از صنعت فراساحلی را تنظیم می‌کند. نکته مهم این است که کنوانسیون OSPAR همچنین به حفاظت از اکوسیستم‌ها و تنوع زیستی که یکی دیگر از شاخه‌های فرعی حقوق بین‌الملل محیط زیست است، مرتبط است.

اریک مولنار^{۶۶} و الکس الفرینک^{۶۷} مکمل بودن حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و حقوق دریا را که از کنوانسیون OSPAR ناشی می‌شود، نشان می‌دهند که متن و ضمیمه پنجم کنوانسیون «یک چارچوب حقوقی جامع برای اجرای بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها و [کنوانسیون تنوع زیستی] و برنامه کاری آن در مورد تنوع زیستی دریایی و ساحلی در سطح منطقه ای می‌باشد.^{۶۸} بنابراین، کنوانسیون OSPAR پتانسیل پرکردن شکاف و مکمل بین‌المللی و منطقه‌ای، حقوق دریاها و حقوق بین‌المللی محیط‌زیست را برای ایجاد یک نهاد حقوقی منسجم نشان می‌دهد.

۳. ارزیابی تعارض بین حقوق دریا و حقوق بین‌الملل محیط زیست

این بخش به بررسی موارد تعارض بین این دو نظام حقوقی می‌پردازد. به طور مثال تغییرات اقلیمی که مرزهای سیاسی و حقوقی را نمی‌شناسد چراکه آلودگی آب و هوا ساکن نیست و مرز نمی‌شناسد و چرخه آب به راحتی آلاینده‌های دست‌ساز و مواد سمی را از یک سر کره زمین به سر دیگر منتقل می‌کند. با این وجود، این نظام‌های حقوقی بین‌المللی تنها در پاسخ به موارد ساکن توسعه یافته‌اند.^{۶۹} مثالی برای این موضوع منطقه انحصاری اقتصادی است که از یک رویکرد یکپارچه برای مدیریت اکوسیستم‌های دریایی سرچشمه نمی‌گیرد.^{۷۰}

دیوید هُداس^{۷۱} این تمایل عمومی به پراکندگی در حقوق بین‌الملل محیط زیست را از طریق مثال عدم هماهنگی بین کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی نشان می‌دهد و یادآور می‌شود که هیچ دستور قانونی وجود نداشته است که هر جامعه اقدامات خود را با آن هماهنگ کند. از سوی دیگر و در نتیجه،

⁶⁵ Convention for the Protection of the Marine Environment of the North-East Atlantic, Annex V, Sept. 22, 1992, 2354 U.N.T.S. 67 (entered into force Mar. 25, 1998).

⁶⁶ Erik Molenaar

⁶⁷ Alex Elferink

⁶⁸ Molenaar & Elferink, *IBID*: p.14

⁶⁹ Raustiala & Victor, 2004:p. 277

⁷⁰ BIRNIE ET AL., *IBID*:p. 386

⁷¹ David Hodas

ممکن است سیاست اتخاذ شده در یک عرصه با سیاست ها و اهداف دیگری در تضاد یا حتی مانع ایجاد شود^{۷۲} این بسیار شبیه به رابطه بین است حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق دریاها از این نظر که هر دو نظام هدف مشترکی در حفاظت از محیط زیست (دریایی، زمینی یا جوی) مشترک دارند، با این حال آنها با ابزارهای مختلف و گاهی متضاد به آن اهداف دست می یابند. به عنوان مثال، هنگام بررسی ارجاعات مکرر به استفاده و توسعه پایدار در دستور کار ۲۱ کنفرانس ریو در مورد محیط زیست و توسعه (که از طریق اصل احتیاط به دست آمده است)، یک تضاد بالقوه بین پیشرفت اقتصادی مستمر پیش بینی شده در دستور کار ۲۱ و هدف اکوسیستم نمایان می شود.^{۷۳} بنابراین، غیرمعمول نیست که مفاد یک نظام حقوقی برای تلاش های نظام دیگر مضر باشد. در این راستا، اصول ۳ و ۴ اعلامیه ریو قابل توجه است زیرا راهی برای آشتی دادن تفاوت های بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست ارائه می دهد. آشتی این اولویت ها (اغلب متناقض) به طور مشابه برای غلبه بر مصادیق تضاد در حقوق بین الملل دریا و حقوق بین الملل محیط زیست کلیدی است.

نمونه ای از یک کنوانسیون منطقه ای وجود دارد که با موفقیت با چالش گنجاندن توسعه پایدار در برابر نگرانی های زیست محیطی مقابله می کند: کنوانسیون ۱۹۷۶ بارسلون برای حفاظت از دریای مدیترانه در برابر آلودگی، نیازهای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را برآورده می کند و همچنین به آن توجه می کند.^{۷۴} با این حال، کنوانسیون بارسلون یک کنوانسیون بسته با اعضای محدود است این کنوانسیون دارای بیست و دو عضو است. این کنوانسیون محدود به یک منطقه آبی کوچک است، به این معنی که یک مدل جهانی برای پذیرش یک استاندارد ملموس برای حفاظت از محیط زیست محیط زیست دریایی ارائه نمی کند. به همین دلیل، می توان بحث کرد که سازمان ها و ابزارهایی با اختیارات گسترده تر باید وظیفه اطمینان از انسجام بین اولویت ها و رژیم های رقیب را داشته باشند. در این راستا، نهادهایی مانند سازمان بین المللی بستر دریا در موقعیت مناسبی قرار دارند تا از یک رویکرد یکپارچه برای اداره حوزه مورد علاقه خود حمایت کنند.^{۷۵} با این وجود، مأموریت محدود سازمان بین المللی بستر دریا عمدتاً به تنظیم فعالیت های منابع معدنی مربوط می شود، نه رسیدگی به نگرانی های زیست محیطی^{۷۶} این موضوع به نوبه خود می تواند بر اثربخشی آن در مقایسه با کنوانسیون تنوع زیستی یا سایر معاهدات منطقه ای که هدف آنها حفاظت از محیط زیست دریایی است، تأثیر بگذارد.^{۷۷} علاوه بر محدودیت های موجود در سازمان های بین المللی و اسناد منطقه ای، موفقیت معاهدات زیست محیطی متأثر از عدم تعهدات ماهوی آنهاست. به عنوان مثال، بند (۱) شق (د) ماده ۱۴ کنوانسیون تنوع زیستی، تنها تعهدات مشروط بر دولت ها، «تا آنجایی که امکان دارد و مناسب است»، برای اطلاع رسانی و جلوگیری از خطر یا آسیب به تنوع زیستی را به دولت ها تحمیل می کند.^{۷۸} با این حال، وقتی نظام های حقوقی عمدتاً از مفاهیم

⁷²HODAS, *IBID*: P.17

⁷³BIRNIE ET AL.*IBID*:p. 385

⁷⁴ Convention for the Protection of the Mediterranean Sea against Pollution, *opened for signature* Feb. 16, 1976, 1102 U.N.T.S. 27 (entered into force Feb. 12, 1978).

⁷⁵<https://www.isa.org.jm/>

⁷⁶Molenaar & Elferink, *IBID*: 5

⁷⁷*IBID*: 8

⁷⁸ Convention on Biological Diversity, at art. 14

نامشخصی مانند «توسعه پایدار» و «استفاده منصفانه و منطقی از منابع» تشکیل شده‌اند، هنجارهای عرفی ممکن است تنها ابزار مؤثر برای نظارت بر رعایت صحیح قانون باشند. این رویکرد با نظرات مخالف قضات دیوان بین‌المللی دادگستری، الخساونه و برونو سیما در پرونده کارخانه خمیر کاغذ در دیوان بین‌المللی دادگستری بیان شد که احترام به تعهدات عرفی اهمیت قابل توجهی دارد و به عنوان یک شاخص اساسی در مورد اینکه آیا در یک پرونده مشخص، تعهدات ماهوی نقض شده یا نشده است می‌باشد.^{۷۹}

این بخش پژوهش بر روی موارد متعددی متمرکز است که در آن دو نظام حقوق دریاها و حقوق بین‌الملل محیط زیست به شیوه ای نامنسجم یا متضاد عمل کرده اند.

۳,۱,۱ حوادث ناشی از آلودگی نفتی

توجه جامعه بین‌المللی بر حفاظت از محیط زیست دریایی از نشت نفت پس از حادثه برجسته تری کانپون^{۸۰} در سال ۱۹۶۷ مورد توجه قرار گرفت.^{۸۱} که موضوع اصلی بسیار مورد توجه بودند: اول، حق دولت‌های ساحلی برای مداخله در مورد خطر نشت نفت. و دوم، ایجاد یک رژیم مسئولیت مدنی برای حوادث ناشی از آلودگی نفتی. کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی در قبال خسارت آلودگی نفتی در سال ۱۹۶۹ به دنبال این حادثه به وجود آمد که اولین سند بین‌المللی بود که به طور خاص با ایجاد یک چارچوب جبرانی برای خسارت ناشی از کشتی‌ها سروکار داشت^{۸۲} این بخش به بررسی رژیمی می‌پردازد که این کنوانسیون ایجاد کرده است. پس از این قضیه، قضایای اکسون والدرز (۱۹۸۹)^{۸۳}، اریکا (۱۹۹۹) و پرستیژ (۲۰۰۲)، و همچنین آخرین نشت نفت در خلیج مکزیک در سال ۲۰۱۰ انگیزه بیشتری برای رژیم آلودگی منبع کشتی فراهم کرده‌اند.^{۸۴}

۳,۱,۱,۱ مسئولیت دولت‌ها

⁷⁹ Pulp Mills on the River Uruguay (Arg. v. Uru.), Judgment, 2010 I.C.J. Rep. 14, ¶ 26 (Apr. 20) (dissenting opinion of Al-Khasawneh & Simma, JJ.).

⁸⁰ Torrey Canyon

⁸¹ International Convention on the Prevention of Pollution of the Sea by Oil, *opened for signature* May 12, 1954, 327 U.N.T.S. 3 (entered into force July 26, 1958).

⁸² ABECASSIS & RICHARD L. JARASHOW (1985), OIL POLLUTION FROM SHIPS: INTERNATIONAL, UNITED KINGDOM AND UNITED STATES LAW AND PRACTICE 183 (David W. Abecassis ed., 2d ed. P.194

^{۸۳} این حادثه منجر به تصویب کنوانسیون بین‌المللی (OPRC) در زمینه آمادگی، واکنش و همکاری در زمینه آلودگی نفتی در سال ۱۹۹۰ شد.
^{۸۴} برخی از برجسته ترین حوادث نشت نفت که در دو دهه اخیر رخ داده اند عبارتند از: Erika (فرانسه ۱۸۹۹)، Slops (یونان ۲۰۰۰)، پرستیژ (اسپانیا ۲۰۰۲)، Kwang Min (کره ۲۰۰۵)، Solar 1 (فیلیپین ۲۰۰۶)، Shosei Maru (ژاپن ۲۰۰۶) Volgoneft (تنگه کرچ ۲۰۰۷)، Heibe Spirit (کره ۲۰۰۷)، BP Deepwater Horizon (خلیج مکزیک ۲۰۱۰).

رک: <https://www.reuters.com/article/idINIndia-30906420071210>

استناد به مسئولیت دولت یکی از ابزارهایی است که می توان از آن برای جبران خسارات ناشی از حوادث ناشی از آلودگی نفتی استفاده کرد.

پیش نیاز اساسی برای احراز مسئولیت دولت ها بر اساس حقوق بین الملل، نقض تعهدات بین المللی یک دولت است. پس از اثبات تخلف، دولت های مسئول موظفند خسارات وارده را با ارائه غرامت به دولت آسیب دیده جبران کنند.^{۸۵} پیرو این بحث در زمینه حفاظت از محیط زیست دریایی ماده ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد مقرر می دارد: دولت ها مسئول اجرای تعهدات بین المللی خود در مورد حفاظت از محیط زیست دریایی تحت حقوق بین الملل هستند.^{۸۶} با این حال، وظایفی که در حوزه تعقیب مجرمان در اختیار دولت ها قرار گرفته است محدود به قوانین ملی و مسئولیت مدنی است.^{۸۷} آنچه که مد نظر می باشد انتساب مسئولیت فقط نسبت به دولت ها می تواند مطرح شود یا باید فعل یا ترک فعلی منسب به یک دولت یا یک مقام و عنصر دولتی باشد. (ابراهیم گل، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۵) در این شرایط یافتن یک دولت مسئول به صورت عملی تقریباً غیر ممکن خواهد بود به خصوص اگر حادثه در دریا مربوط به کشتی های خصوصی باشد. بنابراین با توجه به معایبی که در حوزه استناد به مسئولیت دولت ها وجود دارد ناگزیر به بررسی مسئولیت مدنی و اختیارات دولت ها در حوزه حقوق داخلی می باشیم.

۳،۱،۲ مسئولیت مدنی

یکی از اهداف مسئولیت مدنی، تضمین حقوق زیان دیده و حمایت از وی و همچنین جلوگیری از خسارت در آینده و رفع تجاوز است. شرط تحقق مسئولیت مدنی در حقوق بین الملل عرفی وجود تقصیر است اما در حقوق بین الملل محیط زیست، با توجه به منابع مختلف آلوده کننده و دشواری تشخیص مقصر یا مقصرین و دخالت عناصر زمان و مسافت در این گونه آلودگی ها، گرایش به سمت مسئولیت محض، یعنی صرف احراز و وقوع خسارت و انتساب آن به فعل و ترک فعل مالک کشتی برا مسئول شناختن وی کافی است و نیازی به اثبات تقصیر یا بی احتیاطی نیست. از این رو، اسناد بین المللی مانند کنوانسیون بین المللی مسئولیت مدنی خسارات ناشی از آلودگی نفتی مصوب ۱۹۶۹ و پروتکل اصلاحی آن در ۱۹۹۲، مسئولیت محض را شناسایی کرده است.^{۸۸} امروزه التزام به جبران خسارات زیست محیطی بر اساس قواعد عام مسئولیت بین المللی، به عنوان اصل بنیادین در جهت حمایت و پاسداری از محیط زیست مورد شناسایی قرار گرفته است؛ به گونه ای که اصول ۱۳ و ۱۲ اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) و ریو (۱۹۹۲)، دولت ها را به همکاری برای توسعه بیشتر

^{۸۵} - ابراهیم گل، همان، ص ۱۹۵

^{۸۶} UNCLOS, at art. 235(1).

^{۸۷} ABECASSIS & JARASHOW, *IBID*: p.175

^{۸۸} حکیم زاده خوبی، پیمان، اسدزاده، خدیجه (۱۳۹۸)، ده: پیمان حکیم زاده خوبی خدیجه اسدزاده، نحوه رسیدگی قضایی و جبران خسارت ناشی از آلودگی نفتی در دریا با تأکید بر دریای آزاد، مطالعات حقوق انرژی دوره ۵ بهار و تابستان شماره ۱ - ۲۱ - ۴۱ ص ۲۲

حقوق بین الملل در خصوص مسئولیت جبران خسارت برای قربانیان آلودگی و دیگر صدمات زیست محیطی فرا می خواند. با توجه به آنکه آلودگی نفتی در دریا، خسارات بسیاری را پدید آورده است دولت ها با چالش های زیادی روبه رو شده اند.^{۸۹}

نتیجه گیری:

این پژوهش به بررسی رابطه حقوق دریاها و حقوق بین الملل محیط زیست به عنوان حوزه های حقوق بین الملل پرداخته است. به نظر می رسد جامعه بین المللی موافق است که ادغام، به جای واگرایی، باید در چارچوب های حقوقی جهانی جستجو شود. در واقع، تلاش برای ایجاد ابزارهای تخصصی ممکن است تا حدی موثر باشد، اما زمانی که قوانین بیش از حد پیچیده می شوند، بهتر است در هنگام رسیدگی به چالش های زیست محیطی جهانی، آن ها را به شیوه ای یکپارچه و منسجم مدیریت کرد. چنین رویکردی همچنین به طور طبیعی با پیوندهای میان تمام اکوسیستم های روی کره زمین مطابقت دارد و متوجه می شود که پیچیدگی فرآیندهای درگیر در تنظیم یک منطقه می تواند بر شبکه زیستی، تأثیر کاملاً متفاوتی بگذارد.

نگارنده بر خود لازم می بیند تا پژوهش را به اظهار تاثیرگذار آروید پارودو، سفیر مالت، در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۷ در مورد دریاها، پایان دهد:

اقیانوس های تاریک به وجود آورنده حیات بودند: از اقیانوس های محافظت کننده حیات پدید آمد. ما هنوز در بدنمان - در خونمان، در تلخی شور اشک هایمان - نشانه های این گذشته دور را داریم. با سیر در گذشته، انسان، سلطه گر کنونی زمین پدید آمده، اکنون به اعماق اقیانوس باز می گردد. نفوذ او به اعماق می تواند آغازی باشد برای انسان، و در واقع برای زندگی همانطور که ما آن را در این زمین می شناسیم: همچنین می تواند فرصتی بی نظیر برای پی ریزی پایه های محکم برای آینده ای صلح آمیز و به طور فزاینده ای مرفه برای همه مردم باشد.

در واقع، نتیجه اصلی این پژوهش این واقعیت است که بحث وحدت در مقابل تجزیه در مورد حقوق دریاها و حقوق بین الملل محیط زیست باید یادآور آن باشد که هماهنگی این دو نظام حقوقی به منظور اثربخشی اتخاذ تدابیری برای محافظت از مشترکات جهانی لازم است.

منابع

فارسی:

۱. ابراهیم گل ، علیرضا (۱۳۹۵). متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل - مسؤو لیت بین المللی دولت ، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۲. حکیم زاده خویی، پیمان، اسدزاده، خدیجه (۱۳۹۸)، ده: پیمان حکیم زاده خویی خدیجه اسدزاده، نحوه رسیدگی قضایی و جبران خسارت ناشی از آلودگی نفتی در دریا با تأکید بر دریای آزاد، مطالعات حقوق انرژی دوره ۵ بهار و تابستان شماره ۱ - ۲۱ - ۴۱.
۳. قنبری چهارمی، محمد جعفر، شفیع بافتی، نگین (۱۳۹۴)، ابعاد حقوقی بین المللی مقابله با آلودگی نفتی دریایی و نظام مسئولیت کیفری، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۵، صص ۵۵-۸۰.
۴. کلارک، آر بی (۱۳۷۹). آلودگی دریا. ترجمه محمدعلی زاهد و زینب محمدی دشتکی، چاپ اول، تهران: نشر نسق

لاتین:

- ۱- Anyanova, Ekaterina (2012), Oil Pollution and International Marine Environmental Law, FROM THE EDITED VOLUME Sustainable Development - Authoritative and Leading Edge Content for Environmental Management.
- ۲- Alan Boyle & James Harrison, *Environmental Accidents*, in MAX PLANCK ENCYCLOPEDIA OF PUBLIC INTERNATIONAL LAW (Rüdiger Wolfrum ed., 2008), http://opil.ouplaw.com/view/10.1093/law/epil/9780199231690/law-9780199231690-e1578?rskey_Ou2nAL&result_1&prd_EPIL (last visited Nov. 7, 2015).
- 3- Bruce A. Ackerman & Richard B. Stewart, (1985), *Reforming Environmental Law*, 37 STAN. L. REV. 1333
- 4- Boris Worm et al (2006), Impacts of Biodiversity Loss on Ocean Ecosystem Services, 314 SCI. 787,790
- 5- Craig H. Allen, (2009). *Revisiting the Thames Formula: The Evolving Role of the International Maritime Organization and Its Member States in Implementing the 1982 Law of the Sea Convention*, 10 SAN DIEGO INT'L L.J. 265, 267.
- 6- Darmody, Stephen J., "The Oil Pollution Act's Criminal Penalties: On a Collision Course with the Law of the Sea", *Environmental Affairs Law Reviews*, vol. 21, No. 89, 1993-1994
- 7- DONALD R. L & TIM STEPHENS (2010), THE INTERNATIONAL LAW OF THE SEA. Bloomsbury Academic
- 8- DAVID R. HODAS, (2005) BIODIVERSITY AND CLIMATE CHANGE LAWS: A FAILURE TO COMMUNICATE?
- 9- DAVID W. ABECASSIS & RICHARD L. JARASHOW (1985), OIL POLLUTION FROM SHIPS: INTERNATIONAL, UNITED KINGDOM AND UNITED STATES LAW AND PRACTICE 183 (David W. Abecassis ed., 2d ed.

- 10- D. Fry, James, Amesheva, Inna (2016), Cleaved International Law: Exploring the Dynamic Relationship between International Climate Change Law and International Health Law, University of Hong Kong Faculty of Law Research Paper No. 2017/018
- 11- Erik J. Molenaar & Alex G. Oude Elferink(2009) , Marine Protected Areas in Areas beyond National Jurisdiction: The Pioneering Efforts Under the OSPAR Convention, 5 UTRECHT L. REV. 5
12. Fry, James D. and Amesheva, Inna, Cleaved International Law: Exploring the Dynamic Relationship between International Climate Change Law and International Health Law (December 16, 2016). The Fletcher Forum of World Affairs, Vol.40:1 Winter 2016, University of Hong Kong Faculty of Law Research Paper No. 2017/018, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3019996> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3019996>
- 13-KLABBERS, JAN, (2013),.INTERNATIONAL Law, Cambridge University press.
- 14- Kal Raustiala & David G. Victor (2004). The Regime Complex for Plant Genetic Resources, 58 INT'L ORG. 277
- 15- LAKSHMAN D. GURUSWAMY (2003), INTERNATIONAL ENVIRONMENTAL LAW: IN A NUTSHELL 391 (2d.ed.)
- 16- Michael Mason(2002). Transnational Compensation for Oil Pollution Damage: Examining Changing Spatialities of Environmental Liability 1 (London Sch. of Econ., Working Paper No. 69.
- 17- McConnell, Moira L., Gold, Edgar (1991), the Modern Law of the Sea: Framework for the Protection and Preservation of the Marine Environment, Available at: <https://scholarlycommons.law.case.edu/jil/vol23/iss1/3>
- 18- PATRICIA W. BIRNIE ET AL. (2009), INTERNATIONAL LAW AND THE ENVIRONMENT 380, Oxford University Press (3d.ed.).
- 19- Rachel Baird et al(2009),. Ocean Acidification: A Litmus Test for International Law, 3 CARBON & CLIMATE L. REV. 459, 459;
- 20- WILLIAM WORDSWORTH, ON THE POWER OF SOUND pt. XII (1888).

اسناد بين المللى:

- ١- Convention for the Protection of the Marine Environment of the North-East Atlantic, Annex V, Sept. 22, 1992, 2354 U.N.T.S. 67 (entered into force Mar. 25, 1998)
- 2- Convention for the Protection of the Mediterranean Sea against Pollution, opened for signature Feb. 16, 1976, 1102 U.N.T.S. 27 (entered into force Feb. 12, 1978)
- 3- Convention on the Protection of the Environment between Denmark, Finland, Norway and Sweden, Feb. 19, 1974, 1092 U.N.T.S. 279

- 4- Convention on Biological Diversity, June 5, 1992, 1760 U.N.T.S. 79 (entered into force Dec. 29, 1993)
- 5- Convention Relating to Civil Liability in the Field of Maritime Carriage of Nuclear Material, Dec. 17, 1971, 974 U.N.T.S. 177 (entered into force July 15, 1975).
- 6- Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter, Nov. 13, 1972, 11 I.L.M. 1294
- 7- Convention for the Prevention of Marine Pollution from Land-based Sources, opened for signature June 4, 1974, 1546 U.N.T.S. 120 (entered into force May 6, 1978).
- 8- Convention on the Conservation of Antarctic Marine Living Resources, opened for signature Aug. 1, 1980, 1329 U.N.T.S. 48 (entered into force Apr. 7, 1982).
- 9- Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora, Mar. 3, 1973, 27 U.S.T. 1087; General Agreement on Tariffs and Trade, Oct. 30, 1947, 61 Stat. A-11, 55 U.N.T.S. 194
- 10- Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damage resulting from Exploration for and Exploitation of Seabed Mineral Resources For and Exploitation of Seabed Mineral Resources, opened for signature May 1, 1977, 16 I.L.M.
- 11- U.N. Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, opened for signature May 21, 1997, 36 I.L.M. 715
- 12- U.N. Conference on the Human Environment, Stockholm, Swed., June 5-16, 1972, at 4, U.N. Doc. A/CONF.48/14/Rev.1 (June 16, 1972).
- 13- U.N. Convention on the Law of the Sea, Dec. 10, 1982
- 14- U.N. Framework Convention on Climate Change, opened for signature June 4, 1992, 1771 U.N.T.S. 107 (entered into force Mar. 21, 1994); And Kyoto Protocol to the United Nations Framework Convention on Climate Change, opened for signature Mar. 16, 1998, 2303 U.N.T.S. 148
- 15- United Nations Conference on Environment and Development, Rio Declaration on Environment and Development, Princ. 15, U.N. Doc. A/CONF.151/26/Rev.1 (Vol.I), Annex I (Aug. 12, 1992)

پرونده های بین المللی:

- 1- Pulp Mills on the River Uruguay (Arg. v. Uru.), Judgment, 2010 I.C.J. Rep. 14, ¶ 26 (Apr. 20) (dissenting opinion of Al-Khasawneh & Simma, JJ.).
- 2- Trail smelter case (United States, Canada), 3 UNRIAA, p. 1905, 1952.

منابع اینترنتی

1- INT'L ENERGY AGENCY, WORLD ENERGY OUTLOOK 2013: EXECUTIVE SUMMARY (2013), <http://www.iea.org/Textbase/npsum/WEO2013SUM.pdf>.

2 <http://www.unep.org/regionalseas/issues/ecosystems/MPAs/default.asp>

Unity or confrontation: a complex discourse between the law of the seas and international environmental law in dealing with oil pollution of the seas

Abstract:

The law of the seas and international environmental law are two very important areas of international law with a common goal in the search to solve the oil problems of the ports, which have an inherent relationship in the seas. These two areas do not work separately and are complementary, but in practice we see it in international legislation and regulations in the international and regional convention that is done with this, which makes a work that is very much to be followed. Because following the rules of one field can be a violation of the rules of another field. And what is clear in the research, these two areas of the law of the seas and international law with the environmental environment, the study of oil in the seas can actually be complementary and may be in conflict, but what is important is the discussion of unity between these two areas and the protection of the commons. It is universal.

Keywords:

Oil pollution of the seas, rights of the seas, international environmental rights, unity, Conflict